

جلسه ۲۱۱ (د) ۹۰/۲/۵

بسم الله الرحمن الرحيم

در مسئله‌ی هشتم که دیروز بحث داشتیم، خلاصه مسئله این بود که کسی که در میان سال در ظرف سال ماه رمضان را گم کرده، کسی که در ظرف سال ماه رمضان را گم کرده است خب اگر آن ظن پیدا کن به یکی از ماه‌ها، آن را که در روایت داشتیم مطلب روشن بود، آن ماهی که ظن دارد به اینکه ماه رمضان قرار می‌دهد و روزه می‌گیرد و احکام رمضان هم بر آن مترتب است آن بحثی نداریم و بحث این بود که اگر ضنی هم در بین نیست ۱۲ ماه مساوی است در نظر او نمی‌داند که کدام یک از اینها ماه رمضان است، اینجا عروه گفته است که تخیر اختیار کند یکی از آن ماه‌ها را به عنوان ماه رمضان و آن را روزه بگیرد، اگر چند سال است برای سال‌های بعد هم طوری باشد که فاصله‌ی این که امسال اختیار کرده است با آن که سال بعد است ۱۱ ماه فاصله داشته باشد. خوب این که گفتیم احتمالات زیاد است و بحث هم زیاد بود بالاخره آن چه که گفته شد تخیر در این جا یک مقداری مشکل است، و به خاطر اینکه فرض کنید که این قدرت ندارد که دوازده ماه روزه بگیرد بر اساس اشتغالیت و فراغیت، اطراف علم اجمالی است و اگر ما بودیم و قدرت داشت این لازمه‌اش این بود که دوازده ماه روزه بگیرد تا یقین به فراغ ضمه پیدا کند، اما چون

دو تا اشکال اینجا به وجود می‌آید اشکال اول اینکه خوب این دوازده ماه در بین دو تا سه روز روزه در آن حرام است، عید فطر و عید اسحاء این یک اشکال است، اشکال دیگر این است که این قدرت ندارد به اینکه دوازده ماه روزه بگیرد عسر و حرج و ضرر رفع تکلیف می‌کند. چون این چنین است، از این جهت باید بگوییم که روی قاعده‌ی المیسور و اینها آن اندازه که قدرت دارد بگیرد. وایشان می‌گوید تخیر این تخیر یک ماه، با آن چه قاعده التزام می‌کند منافات پیدا می‌کند، مقتضای قاعده آن است که حالا که نمی‌تواند دوازده ماه روزه بگیرد ما بقدر بالضرور بقدر بالقدر ضروره. این باید آن اندازه که قدرت دارد بگیرد. در سایر جهان علم اجمالی همین است کسی که در شبهات مقصور قدرت احتیاط ندارد کامل، و موافقت قطعی نمی‌تواند بکند این شخص بایستی که آن اندازه که قدرت دارد، انجام بدهد، عقل اینطور اقتضا می‌کند آنچه که ایشان نوشته است که خوب در صورتی که اطراف علم اجمالی احتیاط لازم است، اشتغال یقین است و خرافه یقین است که می‌خواهد که این تمام اطراف در تحت اختیار انسان باشد. مبتلا به باشد، به قول شیخ انصاری اگر من، یقین دارم یا این ظرف نجس است در جلوی من است، یا ظرفی که عند الامیر است، آن ظرفی که عند الامیر است، از محدوده‌ی من خارج است، اگر بعضی اطراف معلوم به اجمال از محل اطلاع خارج باشد، انی که در اختیارم است احتیاط واجب نیست. چون برای اینکه من الآن

به وجود می‌آیند آیا تدریجی الوجود بودن بعضی از اطراف مانع تنجس است یا نیست. اینجا هم ولو اینکه آن امر امر استقبالی است، چون که ماه‌ها به تدریج به وجود می‌آید ولی الآن تکلیف دارد و الآن تکلیف فعلیت دارد که این شخصی که یقین دارد یکی از ماه‌ها ماه رمضان است تکلیف دارد به اینکه انجام بدهد، و چون نمی‌تواند تفصیلاً و این شخص احتیاط کند و دوازده ماه را هم که نمی‌تواند یک مقدار به آنچیزی که رفته است کنار در بقیه بایستی احتیاط کند. جواب ایشان این است که فرقی نیست بین اینکه اطراف علم اجمالی تدریجی الوجود باشند و دفعی الوجود باشند و همانطور که در دفعی الوجود علم منجز است و در تدریجی هم همینطور است مثال آخوند هم در کفایه فی الحج و الموسم . اما بحث امروزمان مسئله‌ی نهم و دهم را نمی‌خوانیم برای خاطر اینکه محل اطلاع نیست و فرضی است فرض ایشان ماه رمضان بوم شد میان سه ماه ماه رمضان بین پنج ماه و همان چیزی که گفتیم معلوم می‌شود و امام مسئله‌ی دهم مهم است این است که من کان در مکانی که لیل سته الاشجار و نهار سته اشجار کسی که در یک جا زندگی می‌کند که شبش شش ماه پشت سرش شب است و شش ماه پشت سر هم روز است، این نماز و روزه‌اش چطور می‌شود؟ اول کلام عروه را می‌گوییم و بعداً احتمالاتی که ایشان گفته است و بعد عرض کنیم که چطور می‌شود، اگر کسی بله در یک مکانی است که در قطبی که شش ماه شب است و

شک دارم در تکلیف تنجس و فعلی من، چون برای اینکه آن عند الامیر است من نسبت به آن تکلیف ندارم، شاید نجس همان باشد، از این رو من شک دارم که تکلیف فعلی متوجه من شده است یا نه، اگر شک داشته باشم اصل براءت جاری می‌شود، و بنابراین یکی از شرایط لزوم احتیاط کامل بودن همه‌ی اطراف در محل اطلاع است که اگر بعضی از اطراف از محل اختلاف خارج باشد در آن چه که محل اختلاف است، احتیاط لازم نیست مثل شک بد ، بنابراین یکی از شرایط احتیاط نسبت به همه‌ی اطراف آن است که همه‌ی اطراف در تحت اختیار و محل اطلاع باشند، اگر بعضی از اطراف در علم اجمالی از محل اطلاع خارج است در آن چه که در محل اختلاف است احتیاط لازم نیست. علت هم این است که شک در تکلیف فعلی دارم اما یقین داشته باشم به تنجس ، ایشان این بحث پیش کشیدند ما در جواب می‌گوییم که نه فرض این است که همه‌ی اطراف محل اطلاع است، فقط یک چیز اینجا است وجوابش این است که ما نحن این است که اطراف علم اجمالی تدریجی الوجود است این دوازده ماه که همه با هم در عرض هم به وجود نمی‌آید روزها و شب‌ها و ماه‌ها تدریجاً وجود پیدا می‌کنند ماه رمضان و بعدیش شوال است و بعدیش ذی القعدة و ذی الحجه و آن وقت در اینجا فرق است بین آنچه که اطراف علم اجمالی فعلی الوجود باشند یا تدریجی الوجود بله بعضی از اطراف ما نحن تدریجی الوجود است، به خاطر این دوازده ماه به تدریج

است و شش ماه روزه است و روزه ساقط است، احتمال دیگری که ایشان می‌گویند اینکه بگوییم از کجا آمده است به اینجا، اینجا که متولد نشده است آن جا معلوم نیست که مسکون باشد پس از هر کجا که آمده است حکم انجا را جاری کند اگر از قم رفته است قم چه طور روزه می‌گیرند و چه طور نماز می‌خوانند آن‌ها از روی ساعت بر اساس آن ساعات قم نماز و روزه را انجام بدهد این سه تا را ایشان می‌گویند. برای روشن شدن مطلب، باید عرض کنیم که ما این کره‌ی زمین را در نظر بگیریم و چاره‌ای هم جز این نداریم. عرض کنم به اینکه این کره‌ی زمین است در این کره‌ی زمین عرض کنم که شمال و جنوب و مغرب و مشرق داریم. بسیار خوب، برای خاطر اینکه ما احکامی داریم که بر اوقات مترتب هستند از این جهت که ما ناچاریم که اوقات را بشناسیم، تا بتوانیم وظایف خود را در رابطه با احکام انجام دهیم. چند جا این موضوعات پیش می‌آید که در مورد قبله ما این موضوع را احتیاج داریم یکی در اوقات شب و روز احتیاج داریم یکی هم در اینکه بحث فعلی ما، اینکه تفاوت‌های زیادی بین شب و روز به وجود می‌آید، و اینها را بایستی ما اول وضع کره‌ی زمین را بشناسیم تا احکام اینها را موضوعاً بدانیم و احتساب بکنیم. خوب؛ این طرف شمال است و این جنوب و این هم مغرب و مشرق، در علم هیئت برای خاطر اینکه معلوم بشود احکام، آمدند سراغ طول و عرض بلاد. بلاد یک طول دارند و یک عرض دارند. طول بلاد را اگر

شش ماه روز است، (چون خداوند متعال یکی از دلایل توحید خداوند قدرت خداوند است طوری قرار داده است خداوند این حرکت زمین را نسبت به خورشید که سالی دوازده ماه نصفش در نور هستند و نصفش در ظلمت این تقسیم عادلانه‌ی نور و ظلمت یکی از علایم و دلایل قدرت پروردگار است، چه آنهایی که در خط استوا هستند و چه آنهایی که در منطقی محترقه و چه آنهایی که در منطقی معتدله و چه آنهایی که در قطبند فرقی نمی‌کند سالی که تمام شد خدا طوری قرار داده است یک تقسیم عادلانه‌ی در نور و ظلمت که نصف سال را در ظلمت بودند و نصف سال را در نور بودند. این یکی از دلایل توحیدی پروردگار است) و اما خوب کسی که اینجور باشد که ایشان می‌گویند که ما بعداً توضیح می‌دهیم ایشان سه تا احتمال اینجا می‌دهند (عروه) اول اینکه این شخص شش ماه همش شب است و شش ماه همش روز است می‌گوید که این بلدان متعارفه را بگیرد و آن که در بلدان متعارفه قم و تهران مثلاً ساعت‌ها را بر آن اساس تقسیم‌کند و آن وقت یک ماه را ماه رمضان قرار می‌دهد و روزه می‌گیرد و همینطوری نمازها را در همین جاها در ۲۴ ساعت صبح و ظهر و مغرب و عشاء همینجوری انجام بدهد، ولو اینکه شش ماه در تاریکی است ولیکن صوم و صلاة را بر اساس مقادیر متعارف در بلاد متعارف انجام بدهد این یک احتمال است. احتمال دیگر این است که روزه ساقط باشد یعنی ماه رمضان ندارد. شش ماه تاریک

درجات طول را بداند. چون که طول مؤثر است شرقی باشد زودتر و این اوقات غربی باشد دیرتر و یک منبعی لازم دارد و این منبع را امروز در لندن (نزدیک لندن یک جایی است به عنوان گرینویچ) آن را مبدأ قرار دادند برای سنجیدن طول بلاد. در آن جا در مبدأ صفر است طول بلاد، از آنجا به طرف شرق که می آید مثل ماها که طرف شرق هستیم اینها طول شرقی دارند. از آنجا به طرف غرب که می روند طول غربی دارند، خوب ما باید بدانیم که از آنجا تا صد و هشتاد درجه طول شرقی دارند و از اینجا گرینویچ و اینها صد و هشتاد درجه هم طول غربی دارند و ما باید بدانیم که ما در چند درجه ای از طول شرقی داریم تا بدانیم که ظهر ما و شب ما کی است بدانیم. نتیجه مانند است دانستن طول بلاد، تأثیر طول بلاد در تفاوت اوقات شب و روز مؤثر است هر چه شرقی ترند، اوقات شب و روز و نصف شب آنها زودتر است و هر چه غربی تر هستند این اوقات دیرتر است و پس طول بلاد تأثیر دارد در تفاوت طلوع و غروبها، در تفاوت نصف شب و ظهرها، عرض بلاد در چه تأثیر دارد، عرض بلاد تأثیر دارد در چه؟ در اینکه در بحث ما، تفاوت شب و روز چه طور باشد در خط استوا شب و روز همیشه دوازده ساعت است، اما از طرف خط هر چه به این طرف تر می رویم تفاوت شب و روز بیشتر می شود. از یک طرف ما ناچاریم برای فهمیدن تفاوت شب و روز که به بحثمان مربوط است بهتر کره ی زمین را بشناسیم و این خط

بخواهیم بسنجیم باید ما خط استوا را در نظر بگیریم. وسط کره ی زمین یک دایره ای تشکیل می شود و این وسط وسط است، به طوری که نسبت به این دایره، این خط، تا قطب شمال، تا قطب جنوب مساوی است، (۹۰ درجه) و این دایره خط استوا است، از طرفی هم با دایره ی نصف النهار داریم. آن به عکس این است؛ آن از جنوب و شمال دور می زند و این از شرق و غرب دور می زند. و این جا آمده اند اکتفا به یک دایره نکرده اند بلکه این دایره که خط استوا بود دایره ی استوا بود از اینجا تا قطب ما نود دایره درست کردیم. اینها دوایر هستند و به درد ما خواهند خورد در شناختن عرض بلاد. دوایری که به موازات دایره ی استوا ترسیم می شود اینها در شناخت عرض بلاد که عرض می کنیم مؤثر است، و اما دایره ی طول، این دایره از جهت طول است، اینجا برای خاطر اینکه گفتیم که زمین اینطور از غرب به شرق در حرکت وضعی خودش حرکت می کند، در ۲۴ ساعت یک مرتبه، چون از شرق به غرب حرکت می کند، بلادی که اینجا واقع شدند اینها طلوع و غروبشان زودتر از بلاد این طرف است و هر چه شرقی تر باشد مثل مشهد به تهران، مشهد چون شرقی تر است و زودتر ظهر و مغرب می شود، از مشهد جلوتر هم مثلاً پاکستان است، و هندوستان و چین و خلاصه هر ذقه شرقی تر باشد اوقات طلوع و غروب و ظهر و نصف شب زودتر است و هر چه غربی تر باشد دیرتر است و پس باید یک مبدأ در نظر بگیریم و آن مبدأ

که به خط استوا هر چه نزدیک تر هستیم، تفاوت شب و روز ما کمتر است در خود خط استوا همیشه شب ۱۲ ساعت و روز ۱۲ ساعت است هر چه دورتر بشویم تفاوت شب و روز بیشتر می شود، تا می رسد به اینجا که یک ماه و دو ماه می شود که این یک دفعه نیست و به تدریج است، این جا مثلاً اینطور است مناطقی که مناطق را به ۲۴ قسمت تقسیم کرده است، مناطقی که شب و روزشان ۲۴ ساعت است، از این منطقه که رد بشود به طرف قطب می رود منطقه ای است که یک ماه شب است و بعد از چند ماه یک ماه روز است، دو ماه تا می رسد به این قطب که شش ماه شب است و شش ماه روز است، مثلاً درجه، تا هشت درجه می گوید که نیم ساعت فرق شب و روز است و اینجا خط استوا دوازده ساعت است همیشه، تا هشت درجه نیم ساعت تفاوت است، و شانزده درجه یک ساعت، همین طور آمده است تا اینجا، تا ۶۶ درجه، ۲۴ ساعت شب و روز است و اما جایی در عرض سال یک ساعت شب می شود و ۲۳ ساعت روز می شود و شش ماه دیگر یک ساعت روز می شود و ۲۳ ساعت شب می شود، ولی تا ۶۶ درجه شب و روز چه قدر است؟ ۲۴ . از ۶۶ درجه که گذشت دیگر تفاوت خیلی بالا می شود دیگر می بینید که یک ماه روز است، و بعد از چند ماه یک ماه شب است تا می رسد به قطب در قطب شش ماه، تاریک است و شب است، و شش ماه تاریک است و روز است، و این حرکت خداوند از زمین را اینطور قرار داده

استوا بود، از خط استوا بیست و سه درجه، از خط استوا تا قطب شمال نود درجه است و تا جنوب هم نود درجه، از این خط استوا، تا ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه، چون گاهی اوقات تفاوت دو شهر نیم درجه است، یا نیم درجه، بنابراین ما ناچاریم که درجه را تقسیم به دقیقه کنیم، دقیقه را به ثانیه، ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه از خط استوا تا اینجا می گویند منطقه ی محترقه، چرا اینطور بگویم، چون خورشید طبق هیئت قدیم حرکت زمین، خورشید تا اینجا می آید و اینها ذات ضلین است و دو تا سایه دارند خورشید که اینجوری می آید بالای سرشان که می رسد از اینجا که خورشید می آید اینها سایه دارند به این طرف، خورشید از سر اینها عبور کند سایه دارند به آن طرف و به اینها می گویند ذوات الظلین خلاصه تا ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه، خورشید بالای سرشان سالی دو مرتبه می آید. اما آنهایی که از ۲۳ درجه اینطرف تر هستند هیچ وقت خورشید بالای سرشان نمی آید مثل ماها هیچ وقت خورشید بالای سر ما نمی آید، اما تأثیر در طول و عرض بلاد هر چه به اینجا نزدیک تر هستند روزهایشان و شبشان کوتاه تر است و اما هر چه دورتر بروند تفاوت در روز و شب بیشتر می شود، حالا که بحثمان به اینجا رسیده است ناچاریم که ما بحث را مستوفی انجام بدهیم، و این فروعی در اینجا است که امام (ره) هم در آخر تحریر الوسیله ذکر کرده است و آن این است که اینجا این یک فهرستی است از عرض بلاد که محل بحث ما است، عرض کردم

منطقه‌ی محترقه‌ی شمالی منطقه‌ی محترقه یعنی خورشید بالای سرشان می‌آید و خوب ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه و آن هم منطقه‌ی منجمده‌ی شمالی است و از آن طرف منطقه‌ی منجمده‌ی جنوبی است. وسط این دو تا چه قدر می‌شود از نود درجه، ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه آمدیم این طرف شد محترقه و ۲۳ و ۲۷ درجه رفتیم آن طرف آن آخر، شد قطب منطقه‌ی منجمده وسط چه قدر می‌شود این وسط منطقه‌ی معتدله است در حدود ۴۰ و چند درجه است و این چهل و چند درجه هم که ما جزء آنها هستیم این‌ها منطقه‌ی معتدله، ما منطقه‌ی معتدله‌ی شمالی هستیم و آنها منطقه‌ی معتدله جنوبی هستند. منظور بنده از این حرف این است که ما بدانیم که عرض بلاد تأثیر در تفاوت شب و روزها دارد هرچه قدر عرض بلاد بیشتر است، تفاوت شب و روز بیشتر است تا ما برسیم به قطب که شش ماه شب است و شش ماه روز است، خوب، اینجا دو تا مطلب برای ما روشن شد که یکی اینکه طول بلاد دانستن طول بلاد تفاوت در چی دارد؟ در زود و دیر قبل و بعد اوقات نصف شب، طلوع فجر، مغرب، ظهر، این طول تأثیر در این دارد. طول را بشناسیم. کاملاً خواهیم فهمید که این چه قدر مشهد با تهران فرق دارد و تهران با تبریز فرق دارد و این به طول ربط دارد و اما اگر عرض را بفهمیم چه متوجه می‌شویم؟ تفاوت شب و روز را، بنابراین تفاوت شب و روز به عرض بلاد مربوط

است و مطلب دیگر این است که این تفاوت که این طور است در طرف شمال اینطور نوشتیم و جنوب هم همینطور است، جنوب هم همینطور است برای اینکه این خورشید در اعتدال ربیعی در این روی خط استوا است و آن وقت این برای ما، این طرف می‌آید ربیع است (بهار) تابستان تا آخر بهار این طرف می‌آید و آخر بهار برمی‌گردد به طرف خط استوا. تا اول پاییز اعتدال خریقی و آنجا می‌شود ۱۲ ساعت اول عید ۱۲ ساعت بود، اعتدال ربیعی بود، و این مرتب روزها بلند شد و بلند شد تا آخر بهار، در آخر بهار بلندترین روزها است و ۱۴ و ۱۵ ساعت، دوباره برمی‌گردد و تابستان به وجود می‌آید چون که وقتی که برگشت روزها کوتاه می‌شود و کوتاه می‌شود و آن وقت در اول پاییز باز شب و روز هر دویشان دوازده ساعت است و آن اولی اعتدال ربیعی است و دومی اعتدال خریقی است و بعد از خط استوا می‌رود به طرف جنوب، تا به حال به طرف ما (منطقه شمالی)، و آن وقت طرف جنوب اینطور است، در جنوب آن جا بهار ما پاییز آنها است و تابستان ما زمستان آنها است، و آن وقت آنها ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه به طرف جنوب می‌رود و آن وقت آنها هم سه ماه بهار دارند و لو پاییز ما است و سه ماه زمستان دارند ولی تابستان ما است، خوب این است که کره‌ی زمین تقریباً قسمت می‌شود به چند جا، این خط استوا، تا ۲۳ و ۲۷ درجه به طرف جنوب می‌شود منطقه‌ی محترقه جنوبی، ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه به طرف شمال،

می‌شود، تفاوت طلوع و غروب این اوقات به طول بلاد مربوط می‌شود و این را باید بدانیم.

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

امام می‌فرمایند که همان لحظه که سوار شدید به آن هواپیما و آن هواپیما به اندازه سرعت زمین حرکت می‌کند الف ساعت، که ما وارد شدیم به این مساله لو سافر مع الطائرة (امام می‌فرمایند مسئله‌ی نهم در تحریر الوسیله در صفحه ۶۰۳) البحث حول المسائل المسحذته بالنسبت علی الصراط و صوم. بحث ما، بحث ما این است که در شش ماه شب است و شش ماه روز است سه تا احتمال عروه داده است که عرض کردم یک احتمال این است که شما ببینید که بلاد متعارف را بگیرید و به آن عمل کنید و ببینید که در تهران چه کار می‌کنند و در قم چه کار می‌کنند و از روی ساعت عمل کنید این شخص ولو اینکه در قطب است و شش ماه شب است و شش ماه روز است ولی یکی از بلاد متعارف را بگیرد و ساعات آنجا را برای خودش تنظیم بکند و مطابق آن عمل کند، این احتمال است و دلیلت چی است؟ دلیل ندارم. امام چه می‌فرمایند؛ امام می‌فرمایند (در حاشیه عروه): این آدم‌های که در قطب هستند و شش ماه شب و شش ماه روز هستند اصلاً رمضان ندارند و روزه برشان واجب نیست و روزه هم برایشان واجب نیست. آن حرف آخری هم که آخرین شهری که از آنجا آمده است چطور بود، موضوع عوض شده است حالا چه باید بگوییم فکر کنید چنانچه فردا صحبت کنیم.